



بازشناسی نهضت جنگل

پدیدآورده (ها) : مهرداد، سید جعفر
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز 1380 - شماره 43
از 86 تا 103

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92332>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 15/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



بازشناسی نهضت جنگل

سیدجعفر مهرداد

«بازشناسی نهضت جنگل» بر اساس گزارشهای منتشر شده، شامل چهار بخش جداگانه و مستقل: تقویم تطبیقی، شرح سالنامه، نهضت جنگل در آینه شعر، و یادداشت‌های تنظیم یافته است.

این مجموعه، به عنوان مدخل برای بازشناسی وقایع شش سال و نیمه نهضت جنگل فراهم آمده است.

به یاد هشتادمین سال شهادت میرزا کوچک خان جنگلی، دو بخش از این مجموعه، تقدیم خوانندگان گرانقدر می‌شود.

یاد شهید سرفراز، سردار جنگل و یاران وفادار او گرامی و عزت نامشان مستدام باد.

مقدمه

تهران در مدرسه صدر و محمودیه، به تکمیل تحصیل طلبگی پرداخت و مدتی نیز معلم بود.

در قیام ازادخواهان رشت علیه محمدعلی شاه در ۱۲۸۷ ش. با مشروطه طلبان همکاری داشت. هنگام بسیج قوای منی رشت برای تصرف پایتخت، به مجاهدان پیوست و در فتح تهران شرکت جست.

شادروان علامه عینی اکبر دهخدا مؤلف لغتنامه، میرزا کوچک خان را به صورت زیر توصیف کرده است:

«میرزا کوچک خان، از مجاهدین گیلان بود که ... برای بیرون کردن

محمدعلی شاه به طهران آمد. او سربازی بی نهایت شجاع بود... در اول بار که او را دیدم، جوانی شوش قیافه، به سن سی ساله می‌نمود. در نهایت درجه معتقد به دین اسلام و به همان حد نیز وطن پرست بود... نماز و روزه او هیچ وقت ترک نمی‌شد. هیچ وقت در عمر خود شراب نخورد و همچنین از دیگر محرمات دینی مجتنب بود...»

در ۱۲۸۹ ش. هنگامی که محمدعلیشاه، شاه «خلوع» به دستگیری روسهای تزاری، عمال خود را به قصد تصرف ترکمن صحرا به ایران گسیل داشت، میرزا داوطلبانه به قوای دولت مشروطه ایران پیوست و به جبهه رفت و در جریان جنگ به تبری که در زیر شانه این مجاهد و سرباز بی نهایت شجاع، تپسته بود، از یادرافتاده، اسیر گشت و به روسیه منتقل شد و پس از معالجه و برگشت به رست بود که بر اثر فشار روسها به تهران تبعید گردید.

جنگ جهانی اول (شنبه ۹ مرداد ۱۲۹۳ - دوشنبه ۲۳ دی ۱۲۹۶) اشغال شمال و جنوب ایران به وسیله روس و انگلیس، فقر، بیکاری، ناامنی، و فساد حاکمان، سراسر ایران را دچار هرج و مرج ساخت. در این سالها دولت مرکزی، بسیار ضعیف و حتی از شهرهای نزدیک پایتخت بی‌خبر بود. حاکمان واقعی ایران، سمرای روس و انگلیس و قفسوئیهای این دو سفارتخانه بودند.

کو ششهای معدود رجال ملی و میهن دوست، برای نجات ایران با دسیسه بازی اشراف و دشانت مستقیم بیگانگان نقش بر آب بود.

میرزا، در تهران با ملاقات و مذاکره با رجال دینی و ملی، به این نتیجه رسید

نهضت جنگل، از اردیبهشت ۱۲۹۴ ش. بارهسپار شدن میرزا به سوی رشت آغاز شد و دوشنبه ۱۱/۴/۱۳۰۰ ش. پس از حدود شش سال و نیم، با کشته شدن «سردار جنگل» در جهنم و سه سالگی، پایان یافت.

احمدشاه، در سال ۱۲۸۸ ش. به سلفنت رسید. در ۱۲۹۰ ش. برای رفع بحران مالی ایران، مستشاران مالی امریکاییه ریاست شوستر به ایران آمدند. دولت تزاری روسیه، با تهدید و هجوم نظامی به سوی ایران برای برکنار کردن شوستر، دو بار او تسماتوم داد.

مجلس دوم شورای ملی، به اتفاق آراء او تسماتومهار زد کرد. با آنکه دولت ایران تقاضای روسها را بپذیرفت و شوستر را برکنار کرد، سپاهیان روسیه تزاری از تبریز و رشت وارد ایران شدند. و به جلب و حبس و تعبد و کشتار مبارزان میهن خواه دست زدند.

در تبریز در ایام عاشورا (روز دوشنبه ۱۰ دیماه ۱۲۹۰ ش.) فتنه الاسلام تبریزی را با چند نفر دیگر، و در رشت و انزلی (روز جمعه ۱۲ بهمن ۱۲۹۰ ش.) عده‌ای از آزادگان ایران را به دار آویختند. در مشهد مقدس، روز شنبه ۱۰ فروردین ۱۲۹۱ مطابق ماه ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق.، گنبد مقدس حضرت رضا (ع) را به توب بستند.

پس از سالها تیر آواز غم انگیز روسایبان گیلان در بیخراها باز هم به گوش می‌رسید که غمگینانه می‌خواندند:

«هزار و سیصد و منی چون بیوستا»

اروس قبر رضایه توب دبستان

وقتی ۱۳۳۰ ق. [شده، روسها قبر رضا (ع) را به توب بستند.

از جنبه کسانی که بر اثر فشار روسها در سالهای ۱۲۹۱-۹۰ ش. از ظرف نظمی ایران به پنج سال تبعید از رشت به تهران و محرومیت از سکونت در زادگاهش محکوم شد، هیونس، معروف به «میرزا کوچک خان» بود.

میرزا، سال ۱۲۵۷ ش. در محله اوستاسرای رشت متولد شد و در مدرسه های حاج حسن و جامع رشت، مقدمات فقه و اصول را فرا گرفت. در

که اگر مفاومت مسلحانه‌ای در برابر تجاوز بیگانگان به وجود آید، قطعاً موجب کاهش فشار بر ملت ایران خواهد بود.

نهضت جنگل «که از چنین تکراری نشأت می‌گرفت، پیش و پیش از همه، با نیروهای خارجی مداخذه‌گر در امور ایران و بی‌نیروهای داخلی متکی بر سیاست بیگانگی، به مخالفت برخاست و گیلان را به قدر توانایی خود، از نعدی رقت و آمدهای فشنور روس و انگلیس محفوظ نگاه داشت. نهضت جنگل، واکنش طبیعی در برابر دخالت و سلطه دولتهای روس و انگلیس در ایران در طی دو قرن گذشته بود.

نوده مردم، روستاییان، کسبه، بازرگانان و محدودی مالکان روشنفکر و آزادیخواه، طرفدار و پشتیبان این نهضت بودند. علاوه بر مبارزه با تجاوز بیگانگان، احیای مشروطیت و انعقاد مجلس باوکلای حقیقی و تشکیل دولت ملی و اعزام حاکمان درستکار به گیلان، از خواستههای اساسی دیگر سران نهضت بود.

در طی عمر شش سال و نیمه نهضت جنگل، وقایع بسیار مهمی مانند تعطیل مجلس شورای منی دوره سوم بر اثر تجاوز بیگانگان به داخل ایران، مهاجرت رجال ملی و تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه، و انقلاب کبیر روسیه رخ داده است.

در این مدت، اداره امور ایران را بیست و چهار کابینه گوناگون دولتی، و حکمرانی گیلان را ه پیش از ده نفر به طور رسمی و پایه صورت غیر رسمی و

موقتی، به عهده داشته است.

در دو کتاب گراندقدر سردار جنگل «نوشته ابراهیم فخرایی» و «تاریخ انقلاب جنگل» ماه‌لیف محمدعلی گینک و سایر گزارشهای مربوط به نهضت جنگل، عمومآسئله‌ها بر حسب تاریخ فمرف و یا میلادی و ماه‌ها نیز با نام فارسی، برجهای عربی، ترکی و گاه سریانی و روسی ثبت شده است.

در تطبق تقویم تاریخ وقایع نیز، اختلافاتی ملاحظه می‌شود. به این جهت، مجموعه «بازشناسی نهضت جنگل» تنها به استناد تقویم تعلیمی رسمی سازمان ثبت احوال کشور فراهم آمده است. به عنوان مثال، اعلام تاه‌میس نخستین دولت جمهوری به سرکمیسی میروز، در این مجموعه، ۱۶ سردار ۱۸/۱۲۹۹/رمضان ۱۳۳۸/ژوئن ۱۹۲۰ و در مقدمه، تاریخ انقلاب جنگل، به قلم شادروان جهانگیر سرتیپ‌پور (ماده ۱، صفحه ۵)، ۱۷ اردیبهشت ۱۸/۱۳۹۹/رمضان ۱۳۳۸/ژوئن ۱۹۲۰ و همچنین، روز اعدام شهید مفلوم، دکتر حشمت، در «سردار جنگل» ابراهیم فخرایی (ماده ۱، ص ۱۸۰)، چهارم اردیبهشت برابر با ۱۱ شعبان ۱۳۳۷ و مطابق تقویم تطبیقی رسمی، این مجموعه، دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۸/۱۲۹۸/شعبان ۱۲/۱۳۳۷، ضبط شده است.

در این مجموعه، تاریخ برخی وقایع مهم تاریخ عمومی ایران، در ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با نهضت جنگل، با علامت ستاره مشخص شده است. به مانخذهای تقویم تطبیقی و شرح سالنامه، به اختصار اشاره شده است. برخی از کتابهای مورد استفاده یا مراجعه و کتابشناسی جنگل، در فهرست زیر



شماره	نویسنده - گردآورنده	کتاب	سال چاپ	ناشر
۱	محمدعلی گیلک	تاریخ انقلاب ایران	۱۳۷۱	گیلکان
۲	فتح... کشاورز	نهضت جنگل - اسناد ملی ایران	۱۳۷۱	
۳	رضا رضازاده لنگرودی	یادگارنامه فخرایی	۱۳۶۳	نشر نو
۴	رقیه سادات عظیمی	نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت خارجه	۱۳۷۷	
۵	ابراهیم فخرایی	سردار جنگل (چاپ سیزدهم)	۱۳۷۶	جاویدان
۶	علی اکبر ولایتی	تاریخ روابط خارجی ایران	۱۳۷۴	
۷	حسین مکی	تاریخ بیست ساله ایران - جلد اول	۱۳۵۸	
۸	موسی پرستیس - حمید احمدی	بلشویک‌ها و نهضت جنگل	۱۳۷۹	شیرازه
۹	غلامحسین میرزا صالح	جنبش میرزا کوچکخان - اسناد سفارت انگلیس	۱۳۶۹	نشر تاریخ ایران
۱۰	دکتر شاپور روسانی	نهضت میرزا کوچک خان جنگلی	۱۳۶۳	
۱۱	جهانگیر سرتیپ‌پور	نامها و نامدارهای گیلان	۱۳۷۰	نشر گیلکان
۱۲	حاجی سید صفا موسوی	تاریخ مکتول ایران		چاپ حقیقت رشت
۱۳	گریگور - یقینان	شوروی و جنبش جنگل	۱۳۶۳	نوین
۱۴	حسین مکی	زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه	۱۳۵۷	امیر کبیر
۱۵	میرزا اسماعیل جنگلی	قیام جنگل	۱۳۵۷	جاویدان
۱۶	سید مهدی فرخ	شاهزادگان سیاسی فرخ (معتصم السلطنه)	۱۳۴۷	امیر کبیر
۱۷	دکتر عیسی صدیق	یادگار عمر - جلد اول	۱۳۵۲	دهخدا
۱۸	محسن صدر (صدرالاشراف)	شاهزادگان صدرالاشراف	۱۳۶۴	وحید
۱۹	مهدی بامداد	شرح حال رجال ایران	۱۳۷۱	زوار
۲۰	پروانذخت کسمایی	یادداشت‌های احمد کسائی از نهضت جنگل	۱۹۹۳ م	
۲۱	میراحمد مدنی - میرابوالقاسمی	جنبش جنگل و میرزا کوچک خان	۱۳۷۷	انجمن مفاخر ملی
۲۲	احمد گسروی	تاریخ هجده ساله آذربایجان	۱۳۷۸	امیر کبیر
۲۳	تاریخ مختصر احزاب سیاسی	ملک الشعراء بهار - جلد اول	۱۳۵۷	امیر کبیر
۲۴	کاظم شاه‌رشی - نصرت... فتحی	آزاده گمنام - خاطرات	۱۳۳۴	
۲۵	یادبودهای انقلاب گیلان	حسین جودت	۱۳۵۱	
۲۶	صادق کوچک‌پور - میرابوالقاسمی	نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان	۱۳۶۹	گیلکان
۲۷	سید محمد تقی میرابوالقاسمی	دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام	۱۳۷۸	ندا
۲۸	محمد حسن صیبری دیلمی	نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل	۱۳۵۸	
۲۹	مهرنوش	میهن	۱۳۷۷	
۳۰	اسماعیل زانین	حیدر خان عمواغلی - جلد اول و دوم	۱۳۵۲ و ۱۳۵۱	موسسه تحقیق و تالیف
۳۱	بهاء‌الدین امینی (میران)	تاریخ گیلان	۱۳۵۲	
۳۲	زور لنجافسکی - حورا باوری	غرب و شوروی در ایران	۱۳۵۱	
۳۳	م. س. ابونف - قاتمپناه و ...	تاریخ نوین ایران	۱۳۵۶	
۳۴	حیدر... مشوفی	شرح زندگانی من - جلد سوم	۱۳۴۳	زوار
۳۵	مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)	شاهزادگان و شاهزادگان	۱۳۴۴	زوار
۳۶	جوزف. ام. اینون - یعقوب آژند	نگرشی بر تاریخ ایران نوین	۱۳۵۹	نیلوفر
۳۷	ابراهیم فخرایی	گیلان در قلمرو شعر و ادب	۱۳۵۶	جاویدان
۳۸	ایرونیساید - بهروز قزوینی	شاهزادگان و سفرنامه ژنرال ایرونیساید	۱۳۶۳	آینه
۳۹	یونس مروارید	از مشروطه تا جمهوری - جلد اول و دوم	۱۳۷۷	ارحادی
۴۰	دومستان آدینه	بزرگ مردی از تبار جنگل	۱۳۶۸	
۴۱	میرزا محمد تهیمی طالقانی	دکتر حشمت که بوده - جنگل گیلان چه بوده	۱۳۷۴	
۴۲	اداره کل ارشاد اسلامی گیلان	خورشیدی بر بام شرف	-	-
۴۳	اسعد احرار	مردی از جنگل	۱۳۶۱	نوین
۴۴	ایرج افشار - بهزاد زانینی	شاهزادگان و اسناد ناصر دفترروانی (مشروطیت - جنگل)	۱۳۶۳	فردوسی

تقویم تطبیقی نهضت جنگل

۱- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۴ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
۱	اردیبهشت - مرداد / ۱۲۹۴	ماه رجب ۱۳۳۳	مه - زوئن / ۱۹۱۵	روانه شدن میرزا به سوی رشت (مأخذ ۱ - ص ۱۷)
۲	۲۱ / مرداد / ۱۲۹۴	جمعه اول شوال ۱۳۳۳	۱۳ / اوت / ۱۹۱۵	عزیمت میرزا به طرف جنگل تولم و استقرار مسلمانان هفت نفر در آن (مأخذ ۱ - ص ۱۹)
۳	۳۰ / مرداد / ۱۲۹۴	یکشنبه / ۱۰ شوال ۱۳۳۳	۲۲ / اوت / ۱۹۱۵	مراسله قنصلگری روس راجع به لزوم سرکوی میرزا و همراهانش (مأخذ ۲ - سند شماره ۲)
۴	۲ / مهر / ۱۲۹۴	شنبه ۱۴ ذیحده ۱۳۳۳	۲۵ سپتامبر / ۱۹۱۵	جنگ ماکلون - شکست قزاقان روسی و ایرانی از جنگلیها (مأخذ ۱ - ص ۳۵)
۵	۲۱ / آبان / ۱۲۹۴	یکشنبه ۶ محرم ۱۳۳۴	۱۴ نوامبر / ۱۹۱۵	تعطیل مجلس شورایی طی دوره سوم بر اثر تجاوز نیروهای بیگانه به ایران
۶	۲۲ / آبان / ۱۲۹۴	دوشنبه ۷ محرم ۱۳۳۳	۱۵ نوامبر / ۱۹۱۵	مهاجرت رجال دینی و ملی و عده زیادی مردم از تهران به قم
۷	۱۷ / آذر / ۱۲۹۴	جمعه ۲ صفر ۱۳۳۴	۱۰ دسامبر / ۱۹۱۵	اشغال قم از طرف نیروهای روس
۸	۹ / دیماه / ۱۲۹۴	جمعه ۲۳ صفر ۱۳۳۴	۳۱ دسامبر / ۱۹۱۵	تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه
۹	اراسط بهمن / ۱۲۹۴	اول ربیع الثانی ۱۳۳۳	اول فوریه / ۱۹۱۶	جنگ ماسوله و اولین شکست جنگلیها از قزاقان روس (مأخذ ۱۵ - ص ۶۴ در مأخذ ۱ - ص ۳۶ و ص ۳۷ اشیاها اراسط بهمن ۱۳۳۳ هجری قمری ثبت شده است.)
۱۰	۱۱ / اسفند / ۱۲۹۴	چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی / ۱۳۳۴	۱ / مارس / ۱۹۱۶	تشکیل پلیس جنوب - ورود نظامیان انگلیس به جنوب ایران

۲- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۵ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
۱	۱۶ / اردیبهشت / ۱۲۹۵	شنبه سوم رجب ۱۳۳۴	۱۶ مه / ۱۹۱۶	اعلام استعفاي حشمت الدوله والایار (ابوالفتح) حاکم گیلان (مأخذ ۳ - ص ۳۷۰)
۲	۲۶ / اردیبهشت / ۱۲۹۵	سه شنبه ۱۳ رجب ۱۳۳۴	۱۶ مه / ۱۹۱۶	اعلام انتصاب آصف الدوله به حکومت گیلان (مأخذ ۳ - ص ۳۷۰)
۳	۴ / مرداد / ۱۲۹۵	چهارشنبه ۲۵ رمضان / ۱۳۳۴	۲۶ / ژانویه / ۱۹۱۶	تلگراف دارایی رشت به وزارت مالیه برای تعیین مخارج مبارزه با جنگلیها (مأخذ ۲ - سند شماره ۳)
۴	۲۶ / آبان / ۱۲۹۵	جمعه ۲۱ محرم ۱۳۳۵	۱۷ نوامبر / ۱۹۱۶	واقعه کسا - کشته شدن مفاعروالملک (مجله گیله و شماره ۵۹ - اسناد تازه یاب دکتر عبدالکریم گلشنی)
۵	۲۲ / دی / ۱۲۹۵	جمعه ۱۷ ربیع الاول / ۱۳۳۵	۱۲ ژانویه / ۱۹۱۷	تلگراف وزارت داخله، تهران به سفاروده امیر مقتدر (مأخذ ۲ - سند شماره ۸)
۶	۱۹ / بهمن / ۱۲۹۵	پنجشنبه ۱۵ ربیع الثانی / ۱۳۳۵	۸ فوریه / ۱۹۱۷	سواد راپرت کارگذاری رشت (مأخذ ۲ - سند شماره ۲۷)
۷	۱۵ / اسفند / ۱۲۹۵	دوشنبه ۱۱ جمادی الاول / ۱۳۳۵	۵ مارس / ۱۹۱۷	مکتوب وزارت داخله به حکمران گیلان برای قلع و قمع جنگلیها (مأخذ ۱ - ص ۳۲)

۳- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۶ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلا دی	سالنامه
۱	۲۰ / خرداد / ۱۲۹۶	یکشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۵	۱۰ ژوئن ۱۹۱۷	انتشار نخستین شماره روزنامه جنگل
۲	۲۶ / خرداد / ۱۲۹۶	شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۵	۱۶ ژوئن ۱۹۱۷	اعلام خبر دستگیری امین الدوله مالک قمریه لشت نشا (روزنامه جنگل - شماره دوم)
۳	۱ / تیر / ۱۲۹۶	جمعه ۲ رمضان ۱۳۳۵	۲۲ ژوئن ۱۹۱۷	زد و خورد طالبان (روزنامه جنگل - شماره سوم)
۴	۲۷ / تیر / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۲۸ رمضان ۱۳۳۵	۱۸ ژوئیه ۱۹۱۷	پایان جنگ طالبان - ورود امیر مقتدر به فومن (مآخذ ۱ - ص ۵۵)
۵	اواخر مرداد ۱۲۹۶	اواخر شوال ۱۳۳۵	اواسط اوت ۱۹۱۷	ورود میرزابه خلخال (مآخذ ۱ - ص ۵۹)
۶	۱۵ / آبان / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۲۰ محرم ۱۳۳۶	۷ نوامبر ۱۹۱۷	آغاز حکومت بلشویکی روسیه (۲۵ کتبر ۱۹۱۷ تاریخ روس)
۷	۱۸ / آبان / ۱۲۹۶	شنبه ۲۳ محرم ۱۳۳۶	۱۰ نوامبر ۱۹۱۷	عزل مفاخرالدوله (روزنامه جنگل - شماره پانزدهم)
۸	۲۵ / آبان / ۱۲۹۶	شنبه اول صفر ۱۳۳۶	۱۷ نوامبر ۱۹۱۷	تعیین حاکم برای گیلان (روزنامه جنگل - شماره شانزدهم)
۹	۱۷ / آذر / ۱۲۹۶	یکشنبه ۲۳ صفر ۱۳۳۶	۹ دسامبر ۱۹۱۷	کارگذاری و کفیل اداره حکومتی (آقای مستصم السلطنه) (روزنامه جنگل - شماره نوزدهم)
۱۰	۱ / دی / ۱۲۹۶	یکشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۶	۲۳ دسامبر ۱۹۱۷	تعیین امیر عشایر خلخال به حکمرانی رشت از طرف هیئت اتحاد اسلام (مآخذ ۴ - سند شماره ۴)
۱۱	۲۳ / دی / ۱۲۹۶	دوشنبه ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۶	۱۴ ژانویه ۱۹۱۸	نفاذ کلیه قراردادهای سابق ایران و روسیه در پایان جنگ جهانی اول
۱۲	۴ / بهمن / ۱۲۹۶	پنجشنبه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۶	۲۴ ژانویه ۱۹۱۸	فقشون روس رجعت می‌کند - قرارداد هیئت اتحاد اسلام با قشون روس (روزنامه جنگل - شماره بیست و سوم)
۱۳	۱۷ / بهمن / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۶	۶ فوریه ۱۹۱۷	تضای کوچک جنگلی (روزنامه جنگل - شماره بیست و چهار)
۱۴	۲۹ / اسفند / ۱۲۹۶	چهارشنبه ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۶	۲۰ مارس ۱۹۱۷	دستگیری فرانسوا انگلیس و رئیس بانک انگلیس در رشت (روزنامه جنگل - شماره ۲۷)

۴- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۷ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	موضوع
۱	۲ / فروردین / ۱۲۹۷	شنبه ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۳۶	۲۳ مارس ۱۹۱۸	اعتراض سفارت انگلیس به دستگیری چند انگلیسی توسط جنگلیها (مأخذ ۴ - سند ۱۹)
۲	۲۲ / فروردین / ۱۲۹۷	جمعه ۳۰ جمادی الثانی ۱۳۳۶	۱۲ آوریل ۱۹۱۸	استخلاص اسرای انگلیسی بموسیله کارگذاری رشت (مأخذ ۴ - سند ۲۶)
۳	۲۴ / خرداد / ۱۲۹۷	جمعه ۲ رمضان ۱۳۳۶	۱۴ ژوئن ۱۹۱۸	جنگ منجیل (جنگ فرای روس و انگلیس با جنگلیها) (مأخذ ۵ - ص ۱۳۲)
۴	۲۹ / خرداد / ۱۲۹۷	چهارشنبه ۹ رمضان ۱۳۳۶	۱۹ ژوئن ۱۹۱۸	جنگهای غیرمنظم جنگلیها - اشغال رشت به وسیله نیروی انگلیس (مأخذ ۱ - ص ۱۲۷)
۵	۱۳ / مرداد / ۱۲۹۷	دوشنبه ۲۷ شوال ۱۳۳۶	۵ اوت ۱۹۱۸	تشکیل دولت وثوق الدوله (هفتاد قرارداد تنگین معروف به قرارداد ۱۹۱۹)
۵	۲۲ / مرداد / ۱۲۹۷	چهارشنبه ۶ ذیحده ۱۳۳۶	۱۴ / اوت / ۱۹۱۸	انفقاد معاهده صلح بین دکتیه اتحاد اسلام و فنسول انگلیس (مأخذ ۱ - ص ۱۸۶)
۶	۱۴ و ۱۵ / مهر / ۱۲۹۷	شنبه اول محرم ۱۳۳۷	۸ اکتبر ۱۹۱۸	تعیین محمد حسن گیلانی به حکومت موقت گیلان (به جای حکمران انگلیسی در گیلان) (مأخذ ۲ - سند ۱۱۳)
۷	۶ / اسفند / ۱۲۹۷	سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۳۷	۲۵ فوریه ۱۹۱۹	تأمین پنهانی دولت وثوق الدوله به حاجی احمد کسبانی (مأخذ ۱ - ص ۱۹۲)
۸	۱۸ / اسفند / ۱۲۹۷	یکشنبه ۶ جمادی الثانی ۱۳۳۷	۹ مارس ۱۹۱۹	اعزام تیمورتاش به استانداری گیلان (مأخذ ۶ - ص ۵۲)

۵- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۸ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	موضوع
۱	۶ فروردین / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۷	۲۷ مارس ۱۹۱۹	نامه فنسول انگلیس به میرزا و حاجی احمد کسبانی (مأخذ ۱ - ص ۱۹۳)
۲	۱۳ فروردین / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۲ رجب ۱۳۳۷	۳ / آوریل / ۱۹۱۹	انتظار اداره سیاسی انگلیس به جنگلیها - پراکندگی فرای جنگل (مأخذ ۱ - ص ۱۹۸)
۳	۲۲ / اردیبهشت / ۱۲۹۸	دوشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۳۷	۱۲ مه / ۱۹۱۹	شهادت دکتر حشمت در فرق کارگذاری رشت (مجله گیلان - شماره ۱۱ - ص ۶ میرابوالقاسمی)
۴	۲۵ / خرداد / ۱۲۹۸	یکشنبه ۱۶ رمضان ۱۳۳۷	۱۵ ژوئن ۱۹۱۹	اعلامیه حکومت نظامی از طرف تیمورتاش حاکم رشت (مأخذ ۵ - ص ۱۸۲)
۵	۲۱ / تیر / ۱۲۹۸	یکشنبه ۱۴ شوال ۱۳۳۷	۱۳ ژوئیه ۱۹۱۹	بیانیه سردار معظم (تیمورتاش) حکمران گیلان و طوالت (مأخذ ۱ - ص ۵۸۲ تصویر اسناد)
۶	۱۷ / مرداد / ۱۲۹۸	شنبه ۱۲ ذیحده ۱۳۳۷	۹ / اوت / ۱۹۱۹	عقد قرارداد معروف به قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله با انگلستان
۷	۱۹ / مرداد / ۱۲۹۸	دوشنبه ۱۴ ذیحده ۱۳۳۷	۱۱ / اوت / ۱۹۱۹	حرکت احمدشاه به اروپا
۶	۲۶ شهریور / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۲۲ ذیحده ۱۳۳۷	۱۸ سپتامبر ۱۹۱۹	نامه رئیس آتریاد (قزاقخانه) تهران به میرزا و پاسخ آن (مأخذ ۱ - ص ۲۳۸ - ۲۴۱)
۷	۳ / بهمن / ۱۲۹۸	جمعه اول جمادی الاول ۱۳۳۸	۲۳ ژانویه ۱۹۲۰	افزایش حکمران جدید گیلان برای سازش با جنگلیها (مأخذ ۵ - ص ۲۲۱)
۸	۲۱ / اسفند / ۱۲۹۸	پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۸	۱۱ مارس ۱۹۲۰	پیرامون مذاکرات فنسول انگلیس و میرزا کوچک خان (مأخذ ۲ - سند ۷۰)
۹	اسفندماه / ۱۲۹۸	جمادی الثانی ۱۳۳۸	فوریه - مارس ۱۹۲۰	ناید نهضت جنگل و میرزا به وسیله سید حسن مدرس (مأخذ ۱ - ص ۵)

۶- تقویم تطبیقی سال ۱۲۹۹ شمسی

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سائنامه
۱	۳۱ فروردین ۱۲۹۹	شنبه ۱ شعبان ۱۳۳۸	۲۰ آوریل ۱۹۲۰	نامه کمیته لنگران به میرزا (مأخذ ۱ - ص ۲۴۲)
۲	۲۸ / اردیبهشت ۱۲۹۹	شنبه ۲۹ شعبان ۱۳۳۸	۱۸ مه ۱۹۲۰	تجاوز شورویها به انزلی و اعتراض دولت ایران (مأخذ ۱ - ص ۲۶۷)
۳	۳۰ / اردیبهشت ۱۲۹۹	پنجشنبه ۱ / رمضان ۱۳۳۸	۲۰ مه ۱۹۲۰	نامه کمیسر خارجه شوروی به اعتراض ایران (مأخذ ۵ - ص ۳۳۵)
*	۱۳ خرداد ۱۲۹۹	۱۵ / رمضان ۱۳۳۸	۳ ژوئن ۱۹۲۰	مراجعت احمدشاه از اروپا به ایران
۴	۱۴ خرداد / ۱۲۹۹	جمعه ۱۶ رمضان ۱۳۳۸	۴ ژوئن ۱۹۲۰	استقبال باشکوه از میرزا برای ورود به رشت (مأخذ ۵ - ص ۲۲۵)
۵	۱۶ خرداد / ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۳۸	۶ ژوئن ۱۹۲۰	اعلام جمهوری - تشکیل کمیته انقلاب سرخ ایران (مأخذ ۵ - ص ۲۵۰)
۶	۲۵ خرداد / ۱۲۹۹	سه شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۳۸	۱۵ ژوئن ۱۹۲۰	اعلام کمیته انقلاب سرخ ایران - خلع سلاح پادگان رشت (مأخذ ۵ - ص ۲۶۴)
۷	۱۸ تیر / ۱۲۹۹	جمعه ۲۲ شوال ۱۳۳۸	۹ ژوئیه ۱۹۲۰	عزیمت میرزا از رشت به فومن به عنوان اعتراض (مأخذ ۵ - ص ۲۶۹)
۸	۲۳ تیر / ۱۲۹۹	چهارشنبه ۲۷ شوال ۱۳۳۸	۱۴ ژوئیه ۱۹۲۰	فرمان احمدشاه به رئیس کل قزاقخانه ایران در مورد گیلان و مازندران (مأخذ ۷ - ص ۸۲)
۹	۹ مرداد / ۱۲۹۹	شنبه ۱۴ ذیقعده ۱۳۳۸	۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰	کودتای سرخ بر ضد میرزا - اصلاح دولت جدید به ریاست حسان... خان (مأخذ ۱ - ص ۳۲۳)
۱۰	۱۰ مرداد / ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۵ ذیقعده ۱۳۳۸	اول اوت ۱۹۲۰	نامه میرزا به مديوایی مدیر امور انقلاب ایران از طرف شوروی (مأخذ ۵ - ص ۲۹۰)
۱۱	۲۰ مرداد / ۱۲۹۹	چهارشنبه ۲۵ ذیقعده ۱۳۳۸	۱۱ / اوت ۱۹۲۰	نامه دوم میرزا به مديوایی (مأخذ ۵ - ص ۲۹۵)
۱۲	۳۱ / مرداد ۱۲۹۹	یکشنبه ۷ ذیحجه ۱۳۳۸	۲۲ / اوت / ۱۹۲۰	تصرف رشت به وسیله قوای دولتی و عقب نشینی آن (مأخذ ۷ - ص ۸۴)
۱۳	۶ شهریور ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۸	۲۹ / اوت / ۱۹۲۰	فاجعه مهاجرت اهالی رشت به تهران (مأخذ ۱ - ص ۳۸۵)
*	۹ شهریور ۱۲۹۹	چهارشنبه ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۸	اول سپتامبر / ۱۹۲۰	افتتاح کنگره ملل شرق در یادکویه (مأخذ ۵ - ص ۲۷۲)
۱۴	۱۳ شهریور ۱۲۹۹	دوشنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۸	۶ سپتامبر ۱۹۲۰	استقرار مجدد دولت کودتای سرخ (مأخذ ۵ - ص ۳۰۶)
۱۵	۱۵ / شهریور ۱۲۹۹	سه شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۳۳۸	۷ سپتامبر ۱۹۲۰	نامه میرزا به یوسف ضیاریگ (نماینده در کنگره ملل شرق) (مأخذ ۱ - ص ۳۸۹)
*	۲۱ / شهریور ۱۲۹۹	دوشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۸	۱۳ سپتامبر ۱۹۲۰	کشته شدن خیابانی و پایان قیام او
۱۶	اول مهر ۱۲۹۹	پنجشنبه ۹ محرم ۱۳۳۹	۲۳ سپتامبر ۱۹۲۰	تخلیه رشت از پلشویکها - ورود و عقب نشینی دوباره قوای دولتی (مأخذ ۱ - ص ۳۹۵)
*	۲ / آبان ۱۲۹۹	چهارشنبه ۱۴ صفر ۱۳۳۹	۲۷ اکتبر ۱۹۲۰	تشکیل کابینه سیدار اعظم رشتی
*	۸ آبان ۱۲۹۹	یکشنبه ۱۸ صفر ۱۳۳۹	۳۱ اکتبر ۱۹۲۰	بیانیه سیدار اعظم

۷- تقویم تطبیقی سال ۱۳۰۰ شمسی تا کشته شدن سردار جنگل

ردیف	شمسی	قمری	میلادی	سالنامه
•	۷ فروردین ۱۳۰۰	یکشنبه ۱۷ رجب ۱۳۳۹	۲۷ مارس ۱۹۲۱	اعلامیه ریاست وزراء راجع به الغاء قرارداد ایران و انگلستان (مأخذ ۴ - سند شماره ۸۸ - تصویر اعلامیه)
۱	۶ اردیبهشت ۱۳۰۰	سه‌شنبه ۱۷ شعبان ۱۳۳۹	۲۶ آوریل ۱۹۲۱	ورود روتشتاین وزیر مختار شوروی به تهران (مأخذ ۷ ص ۳۵۲)
۲	۶ اردیبهشت ۱۳۰۰	جمعه ۲۷ شعبان ۱۳۳۹	۶ مه ۱۹۲۱	جشن تاجگذاری احمدشاه و تصفیه سآله کیلان (مأخذ ۷ - ص ۳۶۳)
۳	۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۰	دوشنبه ۸ رمضان ۱۳۳۹	۱۶ مه ۱۹۲۱	آشتی انقلابیهای سرخ با جنگلیها (مأخذ ۵ - ص ۳۲۷)
۴	۱۷ و ۱۶ تیر / ۱۳۰۰	پنجشنبه اول ذیقله ۱۳۳۹	۱۷ ژوئیه ۱۹۲۱	مقدمات تخلیه رشت از بقایای نیروی روسیه (مأخذ ۷ ص ۴۴۴)
۵	۲۳ مرداد / ۱۳۰۰	دوشنبه ۱۰ ذیحجه ۱۳۳۹	۱۵ / اوت ۱۹۲۱	اعلان «کمیته انقلاب ایران» با حذف نام احسان... خان (مأخذ ۵ - ص ۳۲۹ - تصویر اعلان)
۶	۱۱ / شهریور ۱۳۰۰	شنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۹	۳ سپتامبر ۱۹۲۱	پاسخ نامه میرزا به نامه روتشتاین (مأخذ ۹ - ص ۳۶)
۷	۶ مهر / ۱۳۰۰	پنجشنبه ۲۶ محرم ۱۳۴۰	۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱	آخرین جلسه «کمیته انقلاب ایران» - واقعه سلاسر (مأخذ ۱ - ص ۴۹۳)
•	۲ خرداد / ۱۳۰۰	چهارشنبه ۱۷ رمضان ۱۳۳۹	۲۵ مه ۱۹۲۱	سقوط سیدضیاءالدین طباطبایی و خروج او از ایران
•	۱۴ خرداد / ۱۳۰۰	شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۳۹	۴ ژوئن ۱۹۲۱	تشکیل دولت قوام السلطنه
•	۱ تیر / ۱۳۰۰	چهارشنبه ۱۵ شوال ۱۳۳۹	۲۲ ژوئن ۱۹۲۱	گشایش مجلس شسورایمملی دوره چهارم
۳	۱ تیر / ۱۳۰۰	چهارشنبه ۱۵ شوال ۱۳۳۹	۲۴ ژوئن ۱۹۲۱	اعلامیه معرفی اعضاء کمیته انقلاب ایران بعد از آشتی (مأخذ ۵ - ص ۳۲۷)
•	۱۰ / مهر / ۱۳۰۰	دوشنبه اول صفر ۱۳۴۰	۳ / اکتبر ۱۹۲۱	کشته شدن کنل محمدتقی پیمان و پایان قیام خراسان
۸	۱۶ / مهر / ۱۳۰۰	یکشنبه ۷ صفر ۱۳۴۰	۹ / اکتبر ۱۹۲۱	گفتگوی نمایندگان میرزا با روتشتاین (مأخذ ۱ - ص ۴۹۷)
۹	۲۲ / مهر / ۱۳۰۰	شنبه ۱۳ صفر ۱۳۴۰	۱۵ / اکتبر ۱۹۲۱	ورود سردار سپه به رشت (مأخذ ۱ - ص ۴۹۹)
۱۰	۱ / آبان / ۱۳۰۰	دوشنبه ۲۲ صفر ۱۳۴۰	۲۴ / اکتبر ۱۹۲۰	اتمام حجت وزیر جنگ - رضا (مأخذ ۹ - ص ۶۸)
۱۱	۵ / آبان / ۱۳۰۰	جمعه ۲۶ صفر / ۱۳۴۰	۲۸ اکتبر ۱۹۲۱	آخرین نامه میرزا (مأخذ ۱ - ص ۵۰۴)
۱۲	۱۱ / آذر / ۱۳۰۰	شنبه ۳ ربیع الثانی / ۱۳۴۰	۳ دسامبر ۱۹۲۱	کشته شدن سردار جنگل (مأخذ ۱۱ - ص ۴۱۳)

ملاحظه می شود.

ب - نهضت جنگل در آینه شعر

نهضت جنگل در آینه شعر، گزیده‌ای از مجموعه سروده‌های مربوط به وقایع این نهضت است.

اشعار سیاسی و اجتماعی فارسی، به جامانده از آن زمان وزین و درخور است. برخی اشعار گیلکی زمان مبارزات جنگل هنوز هم کم و بیش نقل محفل کهنسالان گیلانی است. این اشعار با احوال مردم مطابقت و همزمانی داشت و به صورت توجه و علاقه شدید مردم به آنها بازتاب می یافت.

در این بخشی برخی از وقایع و فراز و نشیب و جلال و زوال سالهای حیات نهضت جنگل را در آینه صاف شعر فارسی و گیلکی می بینیم. (به ویژه به نقل از روزنامه های جنگل و ماه خذهای ۵ و ۱۱ و ۳۷)

اشعار گیلکی مکتوب جنگل عموماً با گویش مردم رست و نواحی غرب گیلان است و گزیده‌ای از آنها با برگردان فارسی در این مجموعه فراهم آمده است.

۱. واقعه کشته شدن مفاخر الملک

واقعه کشته شدن مفاخر الملک در وقایع سال ۱۲۹۵ شمسی به اختصار شرح داده شده است.

پس از این واقعه مصرعهای گوناگون هم فایده‌ای بر سر زبانها می افتاد گوینده آنها معلوم نیست ولی از این منظومه به خوبی دریافت می شود که مردم کوچه و بازار چگونه با حاکمان بیگانه نواز به مشیز بر می خیزند. به چند مصرع توجه کنیم:

ای کشته داس و تیر مفاخر

گفتی کنم شق الفصو مفاخر

کسما کنم زیر و زیر مفاخر

تا قوتسول بیدادگر مفاخر

شادان شود از این خیر مفاخر

افتاد بر چالیت شمر مفاخر

دیدنی چه ات آمد به سر مفاخر

(ماه خذ ۲۲ ص ۲۶) این اشعار را از زیر و خسی خان کسما می دادند. در (ماه خذ ۲۸ ص ۳۷) از شعر مفاخر الملک بعد از کشته شدن، روایت دیگری به صورت چهار پاره در سخن بند پاهمین وزن و قافیه نقل شده است.

۲. روزنامه جنگل و ادبیات (فارسی - گیلکی)

در ۱۲۹۶ نخستین شماره روزنامه جنگل ناشر افکار و عملیات شد.

در این روزنامه نیز از مقالات سیاسی و اجتماعی و خبری اشعار فارسی با عنوان ادبیات و اشعار گیلکی به عنوان ادبیات گیلکی به نقل شد.

ملاحظه می شود معسرون غالب این اشعار سیاسی و مربوط به مسائل روزگار آن زمان است.

۳. شماره اول

در ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۳۵

در این شماره بیش از ۱۰۰ سال از مبارزات مردم و روزگام آن زمان به نقل شد.

انتخابات دوره چهارم قانونگذاری در موعد قانونی صورت گرفت و ایام فترت بین دوره سوم و چهارم مجلس شورای ملی به مدت حدود ۶ سال تا اول تیر ۱۳۰۰ شمسی طول کشید.

اتجام انتخابات مجلس چهارم همواره مورد بحث و مشاجره محافل سیاسی و افکار عمومی در ایام فترت بود.

در اولین شماره روزنامه جنگل زیر عنوان ادبیات منظومه‌ای با امضای کرمانی درج شده و چند بیت آن به فراز زیر است.

این دوره تعیینه چون دوه چار است؟

این موقع فرخنده دگر موقع کار است

ای غرقه به او هام در عالم خالصه [خلصه]

این ماه دگر آحر ایام بهار است

امروز که باید بشود مملکت آباد

هر کس به خر خویش به هر راه سوار است ...

۴. شماره ششم

(۸ مرداد ۱۲۹۶ مطابق سه شنبه یازده شوال ۱۳۳۵)

(سرف الدین الحینی)

دست مزن، چشم به بستم دو دست

راه مرو، چشم دو پایم شکست

حرف مزن، چشم بستم دهن

نطق مکن، قطع نمودم سخن

هیچ مفهوم، این همه عنوان مکن

خواهت بی فهمی انسان مکن

لال شوم، کور شوم، کر شوم

لیک مجال است که من خر شوم

چند روی همچو خران زیر بار

سر زفتبای بشریت در آرز

۳. شماره دهم

(۲۲ شهریور ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۲۸ ذیحده ۱۳۳۵)

در این شماره زیر عنوان (یکه خول جدید) می خوانیم،

که نمایش خول چه با شتاب آمد

توزیع میوش که هنگام انتخاب آمد

رقیب چون رخسار حسن تقیمازم آمد

دلگم که بود فیض وجود عشق فدا آمد

هر آنکه دید رخسار خول زلف، بگفت

صبا تو حال دلم عرضه کن به حضرت آمد

حرف و غایت و نقل روزنامه آمد

ترجمی به زحایای خاندان آمد

صحت گری بر ماندگان آمد

در شمال و در جنوبش عارت و ویرانگی
نی تعصب، نی حیت، نی شرف، نی عار و ننگ
بارک الله، آفرین، به به، از این فرزادگی
بند و خشوران بشد پیمان فرهنگی بسوخت
در عوض بهتان و کذب و تهمت و افسانگی
چون وزیر از کار ماند اسب می تازد حریف
عقل رخ می نابد و نه مات از این دیوانگی

و لیک دشمن دیرینه کمیاب آمد
اسماعیل دهقان در ۱۲۶۶ ه. ش در رشت متولد و در سال ۱۳۲۵ ه. ش
در گذشته جد پدری او حاجی حسن بانی مدرسه و مسجدی است در بازارچه
سبز میدان رشت که به مسجد و مدرسه حاجی حسن مشهور است.
دهقان از آزادیخواهان جنبش مشروطه و از همدرسان و همفکران
میرزا کوچکخان بود. مدیریت چند شماره آخر روزنامه جنگل را به عهده داشت.
دیوان شعر دهقان در سال ۱۳۳۰ شمسی به وسیله فرزندش فریدون دهقان
در رشت چاپ و منتشر شد.

۴. شماره یازدهم

(۱۹ مهر ۱۲۹۶ مطابق جمعه دهم ذیحجه ۱۳۳۵)

در این شماره زیر عنوان (ادیات گیلکی) چهارده بیت گیلکی درج شده
است. اشعار گیلکی روزنامه جنگل عموماً بدون برگردان فارسی است. چند
بیت اشعار گیلکی این شماره با برگردان فارسی به قرار زیر است:
۱) ای گله مردان و بریزید بلبل نبسته دار سر
وقت رعیتی بامو جقلان بشیدی کار سر
۲) مناصفه، مرا بعه بجه کجه بخوردیس
غرامت ندایمی مایه باموی بار سر
۳) کاشتن و پیش کاول زنن مرز بجارا واکودن
فوت کرگدن خویله خوک پای بجار سر
۴) تناسست کردن چه مشکله و جین دوباره سخت تر
قریان بشم بیکاریه، فهوه خانه باز او سر
۵) هر چه بگفتم سر سر مرا بامو آخر به سر
شاعوک فقیرک گوشه نشین زار سر

برگردان:

۱) ای گله مردان اشاره به دهقانان از خویلهت بر خیزید، بلبل بالای درخت
نسته لبست. زمان کار رعیتی فرار سیاه است. بچه ها سر کار برید.
۲) بجه طور مناصفه یا مرا بعه قبول می کنی و این بستم را بخورده ایم. تاوان را
پرداخته ایم و مایه گذاری هم سر بار شده است.
۳) کاشتن و پیش شخم زدن با گاو آهن و باز خوردن بزرگش از این بجه
نگهبانی نهادن بجه خوکها زور کرگدن می خواهد.
۴) کشتن نهال بجه جقدر مشکل و کندن علف مرز با مرز دشمن است.
دوم (بجه) سر است.
۵) گفتیم سر سر مرا بامو آخر به سر. بدمر شایسته که بگفتیم سر سر
بموت بجه جان است.

۵. شماره دوازدهم

(۲۱ مهر ۱۲۹۶ مطابق جمعه دوازدهم ذیحجه ۱۳۳۵)

در این شماره با عنوان (ادیات گیلکی) بیست و یک بیت گیلکی درج شده
است. اشعار گیلکی روزنامه جنگل عموماً بدون برگردان فارسی است. چند
بیت اشعار گیلکی این شماره با برگردان فارسی به قرار زیر است:
۱) ای گله مردان و بریزید بلبل نبسته دار سر
وقت رعیتی بامو جقلان بشیدی کار سر
۲) مناصفه، مرا بعه بجه کجه بخوردیس
غرامت ندایمی مایه باموی بار سر
۳) کاشتن و پیش کاول زنن مرز بجارا واکودن
فوت کرگدن خویله خوک پای بجار سر
۴) تناسست کردن چه مشکله و جین دوباره سخت تر
قریان بشم بیکاریه، فهوه خانه باز او سر
۵) هر چه بگفتم سر سر مرا بامو آخر به سر
شاعوک فقیرک گوشه نشین زار سر

۶. شماره سیزدهم

(۱۹ مهر ۱۲۹۶ مطابق جمعه ۲۴ ذیحجه ۱۳۳۵)

شعر گیلکی این شماره ضمن کتابه ای شیرین، خطایی تهدیدآمیز به انگلیس
دارد. سه بیت برگزیده آن به قرار زیر است.
۱) هوی زاکان زود و بریزید بشد بجار کتام سر
شیمی بجار اپیاید، آجان بشو حمام سر
۲) اوی انگلیس، اوی انگلیس، نی جانک نمک و اسین
کنس چماق بیدینی یکسره دوی تی بام سر
۳) تی خرج خورمشت زینم، تی گاز گابیل فکنیم
تریدو دهم بیستی، انام ورا، سیام سر

برگردان:

۱) ای بجه ها بر خیزید و به کتام (اتاقک در مزرعه یرنج) برای بایدن مزرعه
شما بروید. پدر به سر حمام رفته است.
۲) ای انگلیس، ای انگلیس برای کتک خوردن آماده شو، وقتی چماق
از گیلکی را ببینی بیکاره به سر بام خود می روی.
۳) به دندانهای پیشین تو مشت می زینم و همه دندانهای تو را می ریزم. ترا
مجبور به فرار می کنیم تا به انام قسمت مرکزی ویشام او سیام آبا بلند آبروی.

۷. شماره هفدهم

(۲۱ آذر ۱۲۹۶ مطابق شنبه هشتم صفر ۱۳۳۶)

در زمان انتشار این شماره کابینه عین الدوله بر سر کار و قوام السلطنه وزیر
داخله بود.

ادیات گیلکی

۱) ای براران ای براران قرها باید دکان میر
تا بگویم من شمه ره چی بامو ایران سر
۲) ای براران ای براران قرها باید دکان میر
تا بگویم من شمه ره چی بامو ایران سر
۳) کابینه بهم بزک وزیران عوضی کند
قوام السلطنه بنسبت باز به از مکلان سر
۴) ای براران ای براران قرها باید دکان میر
تا بگویم من شمه ره چی بامو ایران سر
۵) ای براران ای براران قرها باید دکان میر
تا بگویم من شمه ره چی بامو ایران سر
۶) ای براران ای براران قرها باید دکان میر
تا بگویم من شمه ره چی بامو ایران سر
۷) ای براران ای براران قرها باید دکان میر
تا بگویم من شمه ره چی بامو ایران سر

۱) ای برادران، ای برادران، فر دایه دکان بیاید تا به شما بگویم چه بر سر ایران آمده است.
 ۲) خائنان کوشیده اند تا خاک سینه بختی بر سر تهران و ایران بریزند.
 ۳) کابینه راه هم ریخته و وزیران را عوض کرده اند. قوام السلطنه باز بر آن مکان نشسته است. لوزیر داخله شده است.
 ۴) خاک بر سر چنین وزیری، کار ایران دیگر خراب است به سر کازها پتان بروید.
 ۵) گور ایران را بکسیم و برایش الحمد بخوانیم و از فارس تا گیلان آن را تحویل انگلیس بدهیم.
 ۶) مانند هندوستان ما را حواز و سر آخر همتای مصر و عمان خواهد کرد.
 ۷) یا کارها پایان می یابد و یا همگی کشته می شویم و یا اینکه دست او را از ایران و هندوستان کوتاه می کنیم.

پر زخم و بغض و کینه
 خوب به هم بزه کابینه
 ده کابینه بی فروغه
 همه وقت تق و توغه
 (این دو بند از شش بند پنج تایی درج شده در روزنامه جنگل نقل شده است.)
 برگردان:
 ای برادر به تهران برو، وزیران ما را ببین تا بدانی حال ایران را که بر
 هیا هوست. الان وقت سرو صداست.
 ۲) انگلیس که سینه پر خشم و کینه دارد. خوب کابینه راه هم ریخته است.
 دیگر کابینه فروغی ندارد. الان وقت سرو صداست.

۱۰. شماره بیستم

(۱ دی ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۶)

ادبیات

اول سرهای زمستان رسید
 غلغله از جنگل و بستان رسید
 کار به کرمی و شبستان رسید
 در نظر این شعر گلستان رسید
 تازه بهار را و وقت زرد شد
 دیگر منه کاشش ما سرد شد
 شد چه وطن دستخوش این و آن
 و اوطنا عجیب وطن شد عیان
 و اسفاحسن وطن شد نهان
 بفرشادی ای وطن نوجوان
 پیش کسی رو که طلبکار تست
 ناز بریر آن کن که خریدار تست
 (این شش تایی در سه بند سرود شده است.)

۱۱. شماره بیست و یکم

(۱۸ دی ۱۲۹۶ مطابق چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۶)

در این شماره یک بند شش تایی با قیافه دارد درج شده است به قرار زیر:
 دلا به یار بگو ام و قاله ما را
 بنامه مهر بگو عاشقان ما را
 به نام دوست بگو ماجرای ما را
 خطاب به مهر بکنش حضرتان و الاریا
 صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
 که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را

۱۲. شماره بیست و چهارم

(۱۷ ربیع ۱۲۹۸ مطابق چهارشنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۶)

ادبیات
 عجب در کس تست و کینه

به روی خویش می نشان کینه
 در آستان دل ما به سوی آن کینه

۸. شماره هجدهم

(۱۰ آذر ۱۲۹۶ مطابق یکشنبه ۱۶ صفر ۱۳۳۶)

ادبیات گیلکی

۱) ای گیله مردان ویریزید نترسید از ثوب و تفنگ
 هر چه شما دارید بارید از بیل و گرباز و کلنگ
 ۲) شمه چانه نازم باید اگر نارید داس و نیر
 تشویش ناره شما را فادیم تفنگ و موزر و فستنگ
 ۳) دانید چره شما را گویم باید همه با اسلحه
 تا که ایجا بدو بدیم انگلیسه تا به فرنگ
 ۴) دشمن ایرانیان تشکیل بداپلیس جنوب
 بتازگی زاندره در مغرب ایران هورنگ
 ۵) پس باید همت بکنیم ثوب و تفنگه اوسانیم
 هر جا بده ایم بکشیم باقی بترانیم به جنگ
 برگردان

۱) ای مردان گیل به پا خیزید از ثوب و تفنگ نهر اسید. هر بیل و کلنگی که دارید با هم میآورید.
 ۲) هر کجا که شمه می نازم. اگر داس و تفنگ نماند بگرباز نماند.
 ۳) تشویش دلید چو رایه شما می گویم با اسلحه بکشیم ای آنکه انگلیسها را تا به مغرب اوسانیم.
 ۴) دشمنان ایرانیان پلیس جنوب تشکیل داده است تا به جنوب ایران حمله کند.
 ۵) پس باید همت کنیم. ثوب و تفنگه اوسانیم.
 هر جا بگردد بکشیم باقی بترانیم به جنگ.

(۱۷)



زلف و خال و خط خویش روزگارم را

بپرس تا که بدانی چگونه غم خیز است
سحر ز کوی تو باد صبا بشارت داد

که صلح ما کسی مالیستها رضایت آمیز است
صبا بگو به (نقی زاده) و (وحید الملک)

عروس صلح چه شیرین سوار شیدیز است
بگو به مجمع حویان شهر استکهلم

نظر به ملت ایران نرحم آمیز است
شنید هر که جو (محزون) ز دیده خون ریز است

منظور از (ها کسی مالیستها) طرفداران نظریه پلشویکهاست.
کاظم محزون (متوفی ۱۳۶۹ ه. ش.) با مشروطه خواهان همگام و هم‌رزم بود.

در زادگاهش شهر ننگرود انجمنی به نام (جمعیت بیداری افکار) تاسیس
کرد و با سرودن اشعار و ترانه های وطنی گامهای مؤثری در مبارزه با جهل و
خرافات برداشت.

۱۳. شماره بیست و پنجم

(۱/ اسفند ۱۲۹۶ مطابق چهارشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۳۶)

ادبیات

چند نالی از جفای دهر و از کین فلک

چند گویی از قضای چرخ و از کید نجوم

نیست مرید بختیت را دور گردون ملزم

نیست مر بیچارگی را کید چرخ دون لزوم

نیک و بد تاثیر اعمال بد و نیک تواند

نی زین دان شاد باش و نی زاهریمن ملوم

ملک ساسان گرنه سرتاسر خرابست ای ملک

از چه در بنگلگ روس آشیان کرده است بوم

تولت روس از دیوتائی به غیرت بنگر دیم

بشاید در این روزگار این مرز و بوم

تنگی آماج کش بس ورده دهشتن کار

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بگرنگ در محو بنیاد شایسته و در عمل شوم

بر زده آنسان رده که ره برای آه نیست

تابه گردن بر شده از پشت کاخ خسروی

بانگ جوع ملت بیچاره کس آگاه نیست

پادشاهها سلطنت فرغ است و ملت اصل او

ملت از نبود بقایی بهر تاج و گاه نیست

اجنبی تایشگاه سلطنت شمیر کش

یک تنه تازان کسی رازین عمل آگراه نیست

کار ما از دست ملک و دولت ها گشته خراب

شاه مانسبت به ما بد نیست و بدخواه نیست

هان وزیران میل ما شرط است در شغل شما

ورنه همراهی لندن گاه هست و گاه نیست

چاره بیچاره گئی، دوش از خرد بگفت

چاره جز در محو جمعی خاشن و گمراه نیست

حزم تیموری باید یا که تصمیم مغول

غیر از این دره شق ثالث بهر باد افراه نیست

در همین شماره هشت بیت شعر گیلکی با اعضای (جنگلی بران) به وسیله

یکی از ادبای جنگل زیت بخشی روزنامه شده است. عنوان و سه بیت گزیده

آن به قرار زیر است.

سوقات

۱) ای برادران جنگلی چی خوب چه بنا و برشتیدی

تخفتیدی تا شودی بهشت تان بنیشتید

۲) دشمنان خانگی امه خوانانه (نیشه نا.

دکو دیدی بوا خور دیدی، او دشنیدی، و التسنیدی

۳) را دکفید خدا شمه پشت و پناهه همه جا

هر چی می دل دعا داره، اگر بگویم نوشیدی

بر گردان:

۱) ای برادران جنگلی چقدر خوب شد از جا بلند شدیدی. نخوابیدید تا به

بهشت رفتید و آرام گرفتید.

۲) این دشمنان خانگی خون ما را در شیشه ریختند، مکیدند و لیسیدند.

۳) خدا نیست و راه شایسته راه نیستید. اگر هر چه در دل دعا دارم بگویم آنها

رامی نوشتید.

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

شماره بیست و پنجم (۱۳۳۶)

مردان زجان و سرگذشته
گشتند چو رهنمای جنگل
آسایش و امن سایه افکند
از فر برهما جنگل
ای خسته ظلم و جور بر خیز
عدل است همه بنای جنگل
جنگل چو به جمله فخر بخشد
فرض است مرثای جنگل
جز لفظ نبود آنچه گفتند
معنی طلب از صدای جنگل
خوشتر ز نوای بریط و ساز
آواز فنگهای جنگل
دانش همه نصر و فتح بید
در پرجم اعتلای جنگل

خسروآذانی که اندر خوانگاه داربوش
دیو نندن خواب بیند جنگل مازندران
در این شماره زیر عنوان ادبیات گیلکی دوازده بیت شعر گیلکی با مطلع
زیر درج شده است.
ای گیله مردان به خدا اازه باید می حرفه سر
زارع و کاسب و فقیر گوش بکنید همه نفر
برگردان مفهوم چند بیت آن بدین قرار است:
ای مردان گیل از زارع و کاسب و فقیر همه کمی به حرف ما گوش دهید.
شرط این است که به حرفهای ما عمل کنید نه اینکه مانند حرفهای دیگر آنها را
پشت گوش بیندازید. بی گفتگو دو چیز موجب ترقی ماست، علم و نیرو. اگر
این دو چیز را داشتیم دیگر انگلیس یو طمع نمی تواند بازور و خاک مازندران را
کند.

۳- جنگ منجیل و یادای از شاعر شهید

در شرح حوادث سال ۱۲۹۷ مربوط به جنگ منجیل از کشته شدن شاعر
جوان و با احساس محمود خان ژولیده ذکری به میان آمده است. با نمونه ای
برگزیده شده از اشعار مبهتی او آشنایی شویم.
ای وطن اندر جهان به جز تو محبوب نیست
غیر تو معشوق نیست به جز تو مطلوب نیست
به چون تو جذاب کل کیست که مجذوب نیست
کسی که اندر رخت شهید و مصلوب نیست
بود مکانش به حشر، دوزخ و دار الیوار
ز عشق ایران مدام کوس انالحق رنم
به افتخارش به سر شهر ابلق رنم
به دوستان مر حیا به دشمنان دق رنم
سخره به اقدام کم ضنه به اسبق رنم
تا که ز نند ز کین به دار منصور روار
تخیال دیو دغا ست ریودن از مانگین
بفاق و غفلت چرا به خاک باشد عجین
منافق و فتنه جو شدند بر ما امین
ز چار جانب عدو نشسته اندر کمین
شرنگ شد آنگین به کام هر هو شیار

۱۶. شماره بیست و نه
(۲ اردیبهشت ۱۲۹۷ مطابق دوشنبه دهم رجب ۱۳۳۶)
در این شماره منظومه ای شامل یازده بند پنج تایی (خمس) با امضای
(دهقان) درج شده و دو بند آن به قرار زیر است:

ادبیات
آه که خصم جنوب، عریده آغاز کرد
شکست قانون رحم، مخالفت ساز کرد
کینه دیرینه را عاقبت ابراز کرد
که به دغل از جنوب که به حیل از شمال
نیز یاد ایران حال و وطن شد پریش
چو غریب این ناکسان زند او را به نیش
بچه به بلخ ما آمدند گرگان در جلد میش
ما را باید شویم بینادر کار خویش
کوشیم بر جبهه ملک و لاجورد و رجال

۱۷. شماره بیست و نه
(۲ اردیبهشت ۱۲۹۷ مطابق پنجشنبه ۲۰ رجب ۱۳۳۶)
در این شماره با عنوان «این چند بند چینی است» ضمن اشاره به
تاریخ ایران و بیان چندین فریاد قحطی از تمام ایران و در دعوت دانش
و سلطنت در دست سفیر انگلیس در پایان این منظومه
منظومه ای شامل دوازده بیت درج شده است. چند بیت آن به قرار زیر است:
کاخ حاجی کتت حمیدت اندر و شیر و
طایر کوشی شد لگد کوشی ستور اجن
دختر جون شد از قهر معیشت چون
فارغ شدت از صفت و شد اهدام اندر
با چشم مکتب
و آوان

۴. میرزا حسین کسمایی و نهضت جنگل

میرزا حسین خان کسمایی (۱۲۴۲-۱۲۹۹) در سال ۱۲۹۴ به نهضت
جنگل پیوست و از دومین شماره نهضت جنگل تا حدود چهارم شماره
تدبیریت آن را به عهده داشت. در نخستین زبیری و نوق الدوا این دو نفر
تسلیم حاجی احمد کسمایی به علت دوستی جنگل باز آمدن کسمایی با
میرزا حسین خان کسمایی با حاجی احمد کسمایی در خصوصت دوم جنگل
در سالهای اول نهضت کسمایی
میرزا حسین خان کسمایی در این نهضت
سروده هایش زیاد، دانشش زیاد و مهربانی او بسیار است. در احرم و ستاره
عموم مردم و فرهنگیان است.
میرزا حسین کسمایی از سروده های این شعر از ده گیلانی در ارتباط با نهضت

جنگل اساره می شود.

هنگامی که حاجی احمد کسمایی به وسیله برادرش در نهان از وثوق الدوله نخست وزیر وقت تا مین گرفت (۶ اسفند ۱۲۹۷) و از میرزا جدا شد میرزا حسین خان کسمایی با اشعار گیلکی به توصیف رویاهای شاه طلبانه حاجی احمد کسمایی پرداخت و او را از افتادن به دام دشمن بر حذر داشت.

(۱) چه از نسیم فاکیدیم قزوین و طهرانه عمو

چه اور نسیم فوخو نسیم ملک خراسانه عمو

(۲) همه راهه نیشانیم پاکار ایجا، راهدار ایجا

به فغان اوریمي جسمه افغانه عمو

(۳) بروره گفتنه جمله فغان می شنه

وا جور پلا کونیم جمله ایرانه عمو

(۴) ایجا، نه دیمی می ایله جاره فاندیری

من حسین کاتسیم و دست می کاشانه عمو

(۵) آسیابم مر و کیلانه همه خوردا کنم

نونکه می گاز ده نینه میرزا کو چکخانه عمو

پر گردان:

(۱) این راه می رویم قزوین و تهران رافتح می کنیم ای عمو و از آن راه به ملک خراسان هوا می شویم ای عمو.

(۲) در هر راهی یک پاکار و یک راهدار می گماریم و کشور افغانستان را به فغان می آوریم.

(۳) برای برادر گویم که تمامی فغان مال من است و باید این طور به شاک کنورم و سعادت بیخشم ای عمو.

(۴) این مزایع و اجتماع بسیاری از راهبای مرا که به راه انداخته ام می بینی، من حسین کاشی هستم و رشت کاشان من است ای عمو.

(۵) من مانند آسیابم و نعام گیلان را خورد خواهم کرد. آنکه دندانم به او کارگر نیست میرزا کو چک خان است ای عمو.

(۱) واناره با بونی تا آبه انگور بویو خه

و ادیگه قو بزنی تا اگر سور بویو خه

(۲) واشیمه ملک نادید مانه قاید

جانه فادیدیمی صدا تام قول نزه چشم شمایا کور بویو خه

(۳) اردنانس بگو چه فر داصبه زود نیم کره

قامی جوم و ابو بوخه و اغوی شیبور بویو خه

(۴) سلام بدید از چپ و راست بیرو جوان

هر کی بی هر جا ایسا از خود قونور بویو خه

(۵) پارلمان حاجی، وزیر حاجی، سنا حاجی همه

بعد از این کرناف عرو و اجای طنبور بویو خه

(۶) ظاهر آگویند که من احمد لای نصرفم

منصرف هر که از خوره بحر بویو خه

پر گردان:

(۱) باید ناورا انگد بزنی که آب انگور به دست آید و باید زیر دگرگنم افوت کنی تا سورمان راه بیفتد.

(۲) باید منکتن را بدید، مال و جانان را هم بدید، بی خدای آرام چشممان هم کور.

(۳) ای اردنانس (سوار امری) بگو از فردا صبح زود تا یک و روشن تا چشم از خواب نیم باز شود باید صدای شیبور بلند شود.

(۴) باید بیرو جوان از چپ و راست به من سلام بگویند، هر که و هر جا باشد اگر چه شخصی فونسون باشد.

(۵) حاجی هم پارلمان، هم وزیر و هم سناس و بعد از این به جای کرنا باید صدای طنبور به گوش برسد.

(۶) گویای گویند که من احمد، غیر منصرف، هستم، هر کس منصرف باشد طبعاً معجزه خواهد بود.

(۱) حاجی نی پای دیجه کنده و کاوله بیدین

قوی او جوش و حروش بیچاره بلبل بیدین

(۲) اسپله آب درون گیر بو کرده مانک میان

خوره دست و بازنه انی ثغافله بیدین

(۳) حاجی! گیسو نره باور تو بوخه باور ناری

تی کله سره میان موقع کاکله بیدین

(۴) حاجی تو ترا بو کوشی میرزا کو چکخان نهی

ای خدا میرزابه پایان تحمسه بیدین

پر گردان:

(۱) ای حاجی، جلو پایت کنده و کاول را نگاه کن، درگیر و دار این کشاکش به بلبل بیچاره توجه کن. (کاول به فتح و او گاو آهن معمول گیلان است).

(۲) اسپله (ماهی قوی دهن گشاده) در میان آب، وسط دام گیر افتاده است. دست و پامی رند، نغافش را بین.

(۳) ای حاجی به گیسو باوری ندانسته باشی اگر باور نداوی در میان سر کچلت وضع کاکلت را بین.

(۴) حاجی اگر خودت را بکنی میرزا کو چک خان نمی شوی، خداوند! ببین صبر و تحمل میرزا چه اندازه است.

۵- فاجعه مهاجرت اهالی رشت به تهران

در شرح سالنامه حوادث سال ۱۲۹۹ فاجعه مهاجرت اهالی رشت به تهران شرح داده است.

سازدوان حسام الاسلام دانش که خود یکی از این مهاجران بود، در قصیده چهل و یک بیتی فاجعه این مهاجرت را به خوبی توصیف کرده است.

(۱) به سال سیصد و سی نه، پس از هزار یکی

بزرگ سانحه ای رخ نموده در گیلان

(۲) شراره ای ژار و پابه آسیا افتاد

بنیان زبیر خزر گشت آشتی سوزان

(۳) لر طبع آتشی دانی که خفتک و ترشورد

به موخیت هر شه و خور خشک ها ز نمله آن

(۴) به نام عدل جورنگی که خوانش می کرد

به اسم داد که بیدار بود و همه امان

(۵) نصای انزلی از این ظلم شده تیره

فنگ ریخت از تریه و فنگ چون باران

(۶) سپاه گشت همی بخت ملا باران سخت

و سی کتاب از راه غیر گشت نشان

(۷) چه گویمت که حسن زود رو شده

مردم با کینه از افان جنگی ایران

(۸) فروت جنگ شفا رو د گشت گم می کرد

کرکت فتنه همی شهوار و آبه میان

هفته یک سواره او از پیاده پرسد حال نه سیر گشته زنان، بر گرسنه بخشد نان»
این کجور فتاری و ناهسواری یادآور قحطی های سالهای ۱۲۹۵، ۹۶ ش در
تهران است که در شرح زندگانی من جلد ۲، ص ۴۹۴ عبدال... مستوفی و طهران
قدیم جلد اول ص ۱۴۸، ۱۴۹ جمع غریب شهری به تفصیل وصف شده است. شادروان
ابراهیم فخرایی در این باره نوشته است:

«در تهران قحطی و هرج و مرج حکمفرایی می کرد. طبقات بی بضاعت
از غلب بیابان و پوست خبیث و لاشه حیوانات تغذیه می نمودند و برنج و گندم
و جو نایاب بود... جنگلیها دو بیست خروار برنج... برای مردم نیازمند قحطی
زده طهران فرستادند و تمهید کردند ماهیانه دو هزار تومان... به نفع در ماندگان
و قحطی زدگان پیر دازند...» (ماه خذ ۵، ص ۱۰۳)

۶- نامه منقول به میرزا آقو چکخان

در گیر و دار مبارزات جنگل امام جمعه لیمونجو از قراء تابعه رودسر نامه
منظومی مشحون از تریب و تشویق و در عین حال عتاب آمیز برای
میرزا آقو چک خان می فرستد چند بیت آن به قرار زیر است.

خاک ایران تو باشد زیر سم اسب دشمن
تابه کی ای شیر بنمودی تو اندر پیشه مسکن
خطه زیدق سرا و گوشه گرداب زرمخ
کوه فاف است این ظلم جاودان یا چاه بیژن

مردم از شاه و وزیر و دیگران مایوس اما

حمله بر آند کی ملک از تو خواهد گشت گلشن

ملت ایران به امید تو تو توی جنگل

خار ناید چون تویی راروز و شب آسوده خفتن

کله پر شور باید مردم رزم از ما را

بالله اندر جنگ ناید پیروی عقل کردن

...

۱۰- نهضت جنگل و واله شاعر

همزمان با پیاده شدن ارتش شوروی و حاکم ایران و کودتای سرخ
طردن آذربایجان شوروی در مرداد ۱۲۹۹ هـ. ش. در منطقه شوروی و تبلیغات
مراستی و تندرویهای ناهنجار امور مردم را متحیر و مضطرب نمود.
شاعر ترک زبان رشت، متخلص به واله در آستانه مهاجرت به خانات
آذربایجان و گنجه میرزا آقو چک خان سروده است:
کجاست که ایمان ما برید نموده است

شهر شما مرا که در آید و در آید
بهر وطن راست کرده است

تیرق سیرش چهل روز خون منحرک
سینه کف و پایه شاهراه خیمت

چون این جمل بسنگ طرد نموده
بهر وطن راست کرده است

...

۸- کشته شدن میرزا آقو چکخان

فرهنگی آزاده گیلانی شادروان خلیل دانش پژوه با مشاهده سر بریده میرزا
تصفیف زیر رادر مایه ابو عطا سرود و سالهاست که زمزمه آرام آن بر لبان آزادگان
گیلانی همراه با چند قطعه اشک ادامه دارد.

غایر نم توان و قرار است
قرار است
در دل مرا ز کرده ات شرار است
شرار است
در سینه ام ز شیوه ات خیار است
خیار است
نی در خورشید تو شهر یار است
یار است
ای وطن اتو آباد نمیشی
ملت اتو آزاد نمیشی
ایدل زگر ناد نمیشی
چرا که ما ملولیم جهولیم
این سر که سر بلند و مه عجیب است
عجیب است
یا آفتاب و طالع زمین است
زمین است
خاکش ز عشق ابوطن عجیب است
عجیب است
انصاف ده که مزد سر نه این است
نه این است
این قهرمان مدافع وطن بود
وطن بود
لشکر کش و شجاع و صف شکن بود
شکن بود
یزدان صنعت به جنگ اهرمن بود
رهن بود
کی مثل مابه فکر ما و من بود
و من بود

۹- میرزا آقو چک خان و شعر

میرزا غزل زیر رابه حاج شیخ یوسف نجفی گیلانی روحانی معروف
رشت تقدیم نموده است:

هوالمحن
گوهر کجی در عالم بودی چو ابروانش
دیگر تو راستی راه یکسر نشانانش
با ه آتشیم، از آب دیده نبود

باسوختی دو گیتی، با غرق آبادانش
بین در کمان کمین کرد، دل رابه تیر مزگان

ارجان بود هزارم، باد ابدان نسانش
در زیر تیغ نبوش، شادم بود سرم را

از دوری خندان، در آستانه گشت
چون می کشاند، موری در آشیانش

...

...

...

...

...

...

...

برگردان:

گیسور برای آویزان شدن بافته و برای دست و پا گیر شدن بنیاده است. دل من در این میان بسته شده است. برای بسته شدن و باز شدن [گیسوهای] تو بصرم.

شادروان فخرایی نقل کرده است: که میرزا به اشعار فردوسی علاوه خاص داشت و در گویایب زرمخ مرکز تاسیسات نظامی جنگل جاسه های منظمی برای قرائت شاهنامه فردوسی ترتیب داده بود و چند بار از میرزا این شعر را شنیده است. اگر چه فرش من از یوریاست طعنه مزین چرا که خوابگاه شیر در نستان است.

۱۰. ملک الشعراء بهار و نهضت جنگل

پس تردید ملک الشعراء بهار (۱۲۶۴-۱۳۳۰ش) از شاعران نامدار و استادان گرانقدر ادب فارسی است ولی گاهیگاهی در کشمکشهای سیاسی و روزنامه نگاری از انشاه گناه آلود و دودلی و دورویی برخوردار بود. یکی از اشتباهات بزرگ سیاسی بهار این بود که در حمایت و تجلیل از سیاستمدار بدنامی مانند وثوق الدوله از نهضت جنگل و میرزا کوچک خان به عنوان دولت دزدان یاد می کند. چند بیت از قصیده چهل و چندبیتی بهار در این باره به قرار زیر است.

۱) شد به اقبال شهنشه ختم کار جنگلی

جنگل از خلخل و طارم امن شد زانویی

۲) دولت دزدان جنگل سخت مستعجل فساد

دولت دزدی بی باشد بدین مستعجلی

۳) صاحب اعظم وثوق دولت عالی نسب

مشهور در مقبلی، ضرب التال در عاقلی

۴) تو مرا خواهی که اندر نظم شخص اولم

من ترا خواهم که اندر عقل شخص اولی

شادروان زنده یاد اکبر بیبه وراز گیلانیان علاقمند به تاریخ گیلان، آنکه در سروده از بهار گیلان تا بهار خراسان در سال ۱۳۳۱ به مناسبت یاد همین سال مرگ مرحوم بهار عرضی ارداتی نموده بود در سال ۱۳۳۶ در پاسخ قصیده اسناد بهار قصیده ای در چهل و چند بیت با همان وزن و قافیه سرود. به چند بیت از آن اشاره می شود.

ای که گاه از عبیدرحمن دم زدی گاه از علی

حاصل اینک زان دوروی چیست جز بی حاصلی

۱) جنگلی را زرد خواندی زان فریقین،

از لجاج تانیننی فرق بین دزد و بین جنگلی

۲) تو بیانی کیست؟ آن گندم نمای جو فروش

کش بیوج اندر سخن راندی و خواندی یللی

از استمال پیشه مدح، از شیر جنگل طعن و فلاح

۳) مزحی صاحب توازی، چند صاحب بدلی

خود همان شاه نگون بخت است کاندر التجمن

بعد خلعتش منصف کردی بد ضعف و مهملی

در مورد قرارداد وثوق الدوله با انگلستان و حمایت اشتباه امیر شادروان بهار از وثوق الدوله و قرارداد او مطالب مذکور در (ماه خند ۱۴، ص ۱۱۰، ۱۱۵) بسیار قابل توجه است. زود عجلت مستعجل کاینه وثوق الدوله و عقیم ماندن قرارداد می خوانیم و به بیگانه ورود شاه مزم از بیرون دروازه قزوین تا در تبراندرون همینکه اتومبیل شاه به آنجا رسید در یک لحظه تمام فریاد می زدند مرده باد قرارداد میزده باد عاقدین قرارداد

برده باد و وثوق الدوله... به طوری که خود انگلیسیها هم اعتراضات نموده اند برای عقد این قرارداد یکصد و سی هزار تیر خراج کرده بودند که از این مبلغ دو بیست هزار تومان به وثوق الدوله و صد هزار تومان به نصرت الدوله و صد هزار تومان هم به مصارم الدوله و زیر مالیه وقت و مقدار هم بین مدیران جراید موافق و مسایر اشخاص منتفذی که طرفدار قرارداد میز بودند قسمت شد...

مرحوم دهخدا در حاشیه نسخه ای از کتاب زندگانی احمدشاه (ماه خند ۱۴، ص ۱۱۳) که در کتابخانه خودشان بوده است به خط خود نوشته اند: ۱. زین العابدین رهنما (شیخ افراین زاده) ۲. سید محمد تدین ۳. ملک الشعراء بهار ۴. سید ضیاء الدین ۵. بیک نهر تاجر سیاسی که بعدها وکیل دماوند شد، فعلاً نامش را فراموش کرده ام (گویا کسرالی) ۶. علی دشتی مدیر روزنامه شفق بودند. از پول مزبور به منی نفر فوق داده نشد... به ایشان اجازه صدور مقدار کثیری خاور و بیار و کفش داده شد و آنها آن اجازه نامه ها را در بازار نهران فروختند هر کدام چند هزار تومانی پول به دست آوردند که تدین خانه شهری و تخریش را از آن پول خرید و ملک الشعراء خانه شهری خرید. امضاء (عنی اکبر دهخدا)

تصنیف جنگل و قرانه گل پامچال

مجله گینه و شماره اول صفحه ۱۱ قرانه گل پامچال بر اساس اهنگ تصنیف جنگل و به منظر زنده نگاهداشتن نام و یاد سردار جنگل در سال

۱۳۳۰ ش سروده و ساخته شده است.

۱. چند جنگلان خومی، ملته وانی

خسته نیوستی، می جانه جنانان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۲. پامچال می در جابا سوندری کجا

سردار شجاع، می جانه جنان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۳. چره تندتر نیی ده، زو قدر نامی ده

گردش کنی هی، او جور جوران

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۴. بیامی روچه روان، نی ریشه قربان

بهم نوانان، نی کاسه چومانان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۵. شاعرارشته جقلان، ابسیم تی فرمان

کنیم آمی جان، نی باجیر قربان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۶. خدای دانه، نتانیم خفتن

از دست دشمن، امی دل آویزان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۷. امی دل بر کس، ملنا فارس

قریاد برس، تی چوما قربان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

۸. همه کفن دکودیم، توفنگ اوسادیم

حاضر ا کودیم، امی جوانان

تره گو ما، میرزا کوچک خان

ترجمه فارسی

۱. چقدر در جنگلهای حوایی، برای ملت

حسنه نشدی، ای جان جانان من
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 ۱. ای جان پیش ما، ای سردار تجماع
 به کجا می روی، ای جان جانان من
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 ۲. چرا تندتر نمی آیی، زود نمی آیی
 بالا بالاها! در کوه آگر دشت می کنی
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 ۳. ای روح روان ما، قریبان ریش تو
 چشمان آبی تو ایتم نگذار
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 ۴. ما بچه های رشت، در فرمان تو هستیم
 جان ما را از ز بر پای تو فرمانی می کنیم
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 بخدا می داند، نمی توانیم بخوابیم
 از دست دشمن، دهنای ما آویزان است
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 ۵. دل نگرانیم، به داد ملت برس
 به قریب او رسیدگی کن، قریبان چشم تو
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان
 ۶. همه کفن پوشیده ایم، تنگ برداشته ایم
 جوان خود را حاضر کرده ایم
 به تو می گویم، ای میرزا کوچک خان

غنچه وا کوده، غنچه وا کوده،
 بلبل سر دارا، بلبل سر دارا
 عزیز فصل بهار، ای چشمان گوشه دارا،
 تره خالی مزه دارا، الان موقع کارا
 و بریز کاول اوسانیم، دانه واشانیم، امی تو مبخارا
 (۱)
 ماتاب شبان، ماتاب شبان،
 آیما آیما، آیما آیما،
 آیما تی کونی ور، آیما تی کونی ور
 تره قریبان، تره قریبان،
 تی چما حیران، تی چما حیران،
 تی بلا یعنی سر، تی بلا یعنی سر،
 بشم قریبان دلیر، بلاگردان دلیر،
 می هم پیمان دلیر، می عزیز جان بارا
 و بریز کاول اوسانیم، دانه واشانیم، امی تو مبخارا
 (۲)
 آفتاب گله، آفتاب گله،
 بیرون بامو، بیرون بامو،
 ده ویری ویری کرده ویری ویری کر،
 چه خروسخوان، چه خروسخوان،
 می آرام جان، می آرام جان،
 گردم تی خانه دور، گردم تی خانه دور،
 ویری می آرام جانا، بنازم تی ترگسانا،
 تی دلفان بنفشه مانا، بره می ماتاب و فرارا
 و بریز کاول اوسانیم، دانه واشانیم، امی تو مبخارا

ترجمه فارسی

گل پامجال، بیرون بیا، فصل بهار است،
 شکوفه ها غنچه باز کرده و بلبل بر روی درخت است،
 عزیز فصل بهار است، چشمان تو گوشه دار است.
 برای تو خالی مزه دارا، الان موقع کار است
 بر خیز، خویش برداریم، در کشتزارمان دانه بکاریم
 (۱)
 در شبهای مهتابی، بطرف انار برنج خانه ات (کوچک) می آییم،
 قریبان توام، سرگشته چشمان توام، بلا یعنی سر جان من
 قریبان دلیر می روم، بلاگردان دلیرم،
 هم پیمان دلیرم، ای یار عزیز چون جان من
 بر خیز، خویش برداریم، در کشتزارمان دانه بکاریم.
 (۲)
 خورشید بیرون آمده است، ای دختر از خواب برخیز
 از سینه دم (خروس) خوان، ای آرام، پنور خانه تو می گردم
 بر خیز آرام جان من، ترگسان (چشمه) تو بنازم،
 زلف تو مانند بنفشه است، تاب و تو را می برد
 بر خیز، خویش برداریم، در کشتزارمان دانه بکاریم.

بیش از اعلام نام (بیج دهقان) به عنوان شاعر، گل پامجال «و پس از
 اعلام آن نیز افراد متعددی مدعی گونندگی این ترانه بوده اند. من تنها به این شای
 خوش داشته ام که در اولین سالهای جوانی ترانه ای گفته ام که در گوشه و کنار
 روستاهای دور دست گیلان بر سر زبان هر روستایی است.
 من با خشم و آگاهی تمام ترانه گل پامجال «را هماهنگ تصنیف (بیقدر
 در زنده نگه داشتن تصنیف حماسه جنگل بر آورده شده است. در نامه به رادیو
 به این نکته ظریف اشاره کرده ام.
 همین ترانه گیلکی و بازگردان آن به فارسی ضمیمه است. بند سوم سالها
 بعد از اجرای بند اول و دوم سروده شده است. خواننده های مختلفی به
 صورت های متفاوت این ترانه را اجرا کرده اند.
 چون نت اولین اجرای این ترانه در دسترس نبود، اخیراً نوار تهیه گل
 پامجال در اختیار هنرمند گرامی آقای غلامرضا امانی قرار داده شد و بر اساس
 آن نت این ترانه که ضمیمه است، به وسیله ایشان نوشته شد.
 آخرین کلام، دیگر گل پامجال «متعلق به همه مردم گیلان است که با آن
 خاطره های شیرین یار و دیار خود را همواره عزیز و زنده نگه می دارند.
 (۱)

گل پامجال، گل پامجان،
 بیرون بیا، بیرون بیا،
 فصل بهار، فصل بهار،
 شکوفه ها، شکوفه ها،